

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نقد مرحوم آخوند بر تحدید صاحب فصول

مرحوم آخوند در کفایه قبل از اینکه وارد بحث مقدمه موصله شوند، دو مطلب قابل توجه را بیان فرموده‌اند.

مطلب اول: بعد از اینکه ادله و براهین استحاله واجب معلق را مورد مناقشه قرار داده و فرمودند واجب معلق ثبوتاً استحاله ندارد و امکان عقلی دارد، یک اعتراضی را بر صاحب فصول وارد کردند، که چرا صاحب فصول، دایره واجب معلق را محدود قرار داده است؟ صاحب فصول از ابتدا که واجب معلق را مطرح کرده گفته واجب معلق در واجباتی است که مقدمه و شرط آن، یک امر متأخر غیر مقدور است.

واجب معلق که وجوب، فعلیت دارد و واجب استقبالی است، صاحب فصول آن را نسبت به زمان مطرح کرده که زمان، یک امر متأخر و غیر مقدور است.

مرحوم آخوند به این تخصیص و محدودیتی که صاحب فصول فرموده، اعتراض کرده و می‌فرمایند شما بگویید واجب معلق در جایی است که واجب، متوقف بر یک امر متأخر است، حالا می‌خواهد این متأخر، مقدور برای مکلف باشد یا نباشد. برای اینکه وقتی می‌گوییم ملاک واجب معلق این است که وجوب، فعلی باشد اما واجب، استقبالی، حالا این واجب استقبالی که می‌خواهد متأخر واقع شود، ملاکش همین تأخر واجب از وجوب است. ملاک اصلی واجب معلق، تأخر واجب از وجوب است. این واجب، بر یک امر متأخر غیر مقدور مثل زمان معلق باشد، یا بر یک امر متأخر مقدور متوقف باشد. در هر حال وجهی ندارد که به غیر مقدور اختصاص دهیم.

همچنین فرموده‌اند این مقدور متأخر، می‌خواهد عنوانی باشد که قابلیت وجوب غیری داشته باشد، یا اینکه قابلیت وجوب غیری نداشته باشد، می‌فرمایند باید این تعمیم را در واجب معلق مطرح کنیم، نه اینکه واجب معلق را به آنچه صاحب فصول فرموده اختصاص دهیم. دلیل مرحوم آخوند بر تعمیم این است که ملاک واجب معلق در همه این موارد وجود دارد، واجب معلق آنجایی است که وجوب، فعلی و واجب، استقبالی باشد. این فرمایشی است که مرحوم آخوند بیان کرده‌اند.

تأیید استاد محترم بر فرمایش مرحوم آخوند

آن مقدار که در کلمات ملاحظه کردیم، بر این فرمایش مرحوم آخوند اشکال مهمی نشده، یعنی اکثر اصولیین این نظر و مطلب ایشان را تلقی به قبول کرده‌اند. حق همین است. وقتی گفتیم ملاک واجب معلق آن است که وجوب، فعلی و واجب، استقبالی باشد. به تعبیر محقق اصفهانی؛ واجب معلق باید طوری باشد که بین زمان وجوب و زمان واجب انفکاک باشد. یعنی دو خصوصیت در واجب معلق است؛ یکی اینکه وجوب، فعلیت داشته باشد، یعنی هنوز که زمان واجب نرسیده، وجوب الان

موجود است و حکم به مرحله فعلیت رسیده، خصوصیت دوم اینکه بین زمان وجوب و زمان واجب انفکاک باشد.

بنابراین وقتی ما این دو خصوصیت را برای واجب معلق قرار دادیم، لازم نیست بگوییم واجب معلق آنجایی است که واجب، متوقف بر یک امر متأخر غیر مقدور باشد. می شود نسبت به امر مقدور هم تصویر کرد. مثلاً بگوییم وقتی شارع فرمود «[لِلنَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ](#)»، وجوب با إنشاء شارع موجود می شود، اما واجب که حج است متوقف بر یک امر متأخر است، اما متأخری که مقدور مکلف است و آن عبارت از استطاعت است.

بعضی بزرگان در دفاع از صاحب فصول گفته اند نسبت به امر متأخر، زمان یا به عنوان قید مطرح است یا نیست. مثلاً استطاعت که عنوان متأخر دارد، یا زمان قید آن است یا نیست. اگر زمان قید آن نباشد، خود استطاعت چون برای انسان مقدور فی نفسه است، حج می شود مقدور مع الواسطه، لذا واجب منجز می شود. بعبارة آخری؛ شمایی مرحوم آخوند که می گوید اگر یک واجبی متوقف بر یک امر متأخر مقدور است، سوال این است که آن امر متأخر مقدور، آیا مقید به زمان است یا نیست؟ اگر مقید به زمان نباشد، به واجب منجز بر می گردد، دیگر واجب معلق نمی شود.

برای اینکه وقتی مقید به زمان نشد، خود استطاعت مقدور است، حج هم بواسطه استطاعت می شود مقدور فعلی مع الواسطه، بنابراین عنوان واجب منجز را پیدا می کند. اگر مقید به زمان باشد، این می شود غیر مقدور. پس باید حرف صاحب فصول را زد که بگوییم واجب معلق در جایی است که واجب، معلق بر یک امر غیر مقدور به نام زمان است. (این دفاعی که از صاحب فصول شده است).

به نظر ما این دفاع تام نیست و بیان و اشکال مرحوم آخوند کامل است. برای اینکه مرحوم آخوند می فرمایند ما بحث لفظی نداریم تا اسم آن را معلق یا منجز بگذاریم. ایشان می گویند ما از صاحب فصول سؤال می کنیم که ملاک در واجب معلق چیست؟ صاحب فصول می گوید ملاک این است که وجوب، فعلیت داشته باشد، بین زمان وجوب و زمان واجب انفکاک باشد.

وقتی این ملاک را در یک عبارت ساده خلاصه می کنیم، می شود: وجوب حالی، واجب استقبالی. حالا که می گوییم واجب استقبالی است، چرا شما آن را محدود می کنید به اینکه یک واجبی معلق بر زمان باشد؟ چون این واجب استقبالی هم نسبت به زمان می تواند معلق باشد که امر غیر مقدور هم نسبت به یک چیزی که غیر از زمان است مانند استطاعت، نسبت به آن هم می تواند عنوان معلق را داشته باشد.

در خود نماز، گرچه فتوای مشهور قریب به اتفاق این است که تا وقت نماز نیاید وجوب نمی آید، نماز را نسبت به وقت، عنوان واجب مشروط قرار داده اند، اما این احتمال وجود دارد که کسی بگوید وجوب نماز الان برای ما فعلی است و «وقت»، دخالت در خود نماز دارد و ظرف برای خود نماز است. مگر بین نماز و حج چه فرقی است؟ همان جا هم امکان اینکه بصورت واجب معلق تصویر شود هست.

همانجا به مشهور می گوییم شما که یک آیه ای ندارید بر اینکه حتما نماز نسبت به وقت، عنوان واجب مشروط دارد - البته از فتاوا و روایات و احادیثی که داریم مجموعاً استفاده می کنیم که قبل از وقت وجوبی نیست، اگر کسی قبل از وقت مرد، آن نماز قبل از وقت قضا ندارد و شواهد زیادی است، اما امکان این مطلب هست که بگوییم قبل از وقت وجوب هست اما زمان، ظرف برای خود نماز است - در حج هم می توان این حرف را زد. بحث در امکان است.

در واجب معلق یک بحث، بحث ثبوتی است که تا اینجا بحث تمام می شود و روشن شد که واجب معلق امکان دارد، ادله بر استحاله، باطل است و در مقام ثبوت، واجب معلق هم تعمیم دارد.

یک بحث، بحث اثباتی است، که حالا بعد از آنکه واجب معلق ممکن شد، باید دید در مقام اثبات، در کجا دلیل برای آن است و در کجا دلیل نیست، اما به مجرد امکان، نمی‌شود گفت «[لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ](#)» بشود واجب معلق. کما اینکه در شرط متأخر هم اگر کسی گفت شرط متأخر امکان دارد، باز در مقام اثبات نیاز به دلیل دارد. اگر دلیل باشد حمل بر شرط متأخر می‌کنیم، اگر دلیل نباشد مجرد امکان، فایده‌ای ندارد.

پس در واجب معلق، بعد از فراغ از مقام امکان و ثبوت، تازه در مقام اثبات محتاج دلیل هستیم. باید دلیل بر معلق بودن واجب مساعد باشد، اگر مساعد بود آنگاه در آنجا مسأله واجب معلق را مطرح می‌کنیم که همین زمینه می‌شود برای رسیدن به مقدمات مفوته.

خلاصه اینکه به نظر می‌رسد که تعمیم مرحوم آخوند درست است و بر فرمایش صاحب فصول این اشکال وارد است. مطلب دوم هم یک مطلب کوتاهی است که جلسه بعد عرض می‌کنیم و وارد بحث مقدمات مفوته می‌شویم **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ